

اطلاعاتی که کمیته دریافت و رسیدگی می‌کند در اختیار کمیسیون گذارده می‌شود و کمیسیون می‌تواند از دولت‌های ذینفع طرف میثاق تهیه هرگونه اطلاع تکمیلی دیگری را بخواهد.

کمیسیون پس از مطالعه مسئله از جمیع جهات ولی در هر صورت حداکثر در مدت دوازده ماه پس از ارجاع امر به آن، گزارشی به رئیس کمیته تقدیم می‌دارد و او آن را به دولت‌های ذینفع طرف میثاق ابلاغ می‌نماید. اگر کمیسیون نتواند در مدت دوازده ماه رسیدگی را به اتمام برساند در گزارش خود اکتفا به بیان مختصر این نکته می‌کند که رسیدگی مسئله به کجا رسیده است.

هرگاه یک راه حل دوستانه براساس احترام به حقوق بشر به نحو شناخته شده در میثاق حاصل شده باشد کمیسیون در گزارش خود به ذکر مختصر قضایا و راه حلی که به آن رسیده‌اند اکتفا می‌کند.

در غیر این صورت کمیسیون استنباط‌های خود را در خصوص کلیه نکات ماهیتی مربوط به مسئله مورد بحث بین دولت‌های ذینفع طرف میثاق و همچنین نظریات خود را در خصوص امکانات حل دوستانه قضیه در گزارش خود درج می‌کند. این گزارش همچنین محتوی ملاحظات کتبی و صورت مجلس ملاحظات شفاهی دولت‌های ذینفع طرف میثاق خواهد بود.

در این صورت باید دولت‌های ذینفع طرف میثاق در مدت سه ماه پس از وصول گزارش به رئیس کمیته اعلام دارند که مندرجات گزارش کمیسیون را می‌پذیرند یا نه. طبق پروتکل اختیاری منظم به میثاق حقوق مدنی و سیاسی، کمیته می‌تواند بر طبق مقررات مندرج در آن، به شکایت اتباع یک دولت متعاهد و امضاءکننده پروتکل، دایر بر ادعای نقض حقوق بشر در مورد آنها علیه دولت متبوعشان، رسیدگی و اعلام نظر کند. حق مراجعه به کمیته منوط به این است که فرد شاکی قبلاً از کلیه راه‌ها و وسایل قانونی برای احقاق حق خود استفاده کرده و پاسخ منفی گرفته باشد. کمیته به نحو مقرر در پروتکل به شکایت شاکی رسیدگی و نظر خود را به دولت مشتکی عنه و شخص شاکی خواهد داد.^۱

۱. آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، تألیف دکتر منوچهر طباطبایی - صفحه ۲۳۵.

بخش دوم

الغاء بردگی و برده‌فروشی

مقدمه

بردگی و برده‌فروشی، بزرگترین جنایت بشریت است. از ابتدای تأسیس جامعه ملل، سعی حقوق‌دانان و آزادی‌خواهان در سراسر دنیا معطوف به امحاء این لکه تنگ و الغاء برده‌فروشی بود.

بعد از پیروزی ایالات متحده آمریکا، در جنگ‌های داخلی که مهمترین هدف آن الغاء بردگی بود تقریباً دوران بردگی و برده‌فروشی در جهان رو به سپری شدن گذاشت، اما اشکال دیگر آن من جمله استثمار نیروی کار انسان‌ها یا سوء استفاده از زنان و کودکان و اجیر کردن آنها برای سوء استفاده‌های جنسی به شدت رواج داشت. اولین سند بین‌المللی که در این مورد تهیه شد «مقاوله‌نامه بین‌المللی راجع به تأمین یک حمایت مؤثر علیه معامله جنایت‌کارانه موسوم به خرید و فروش سفید پوستان» بود که در ۱۸ ماه مه سال ۱۹۰۴ در پاریس به امضاء رسید و پس از آن چندین کنوانسیون و مقاله‌نامه و قرارداد بین‌المللی مهم در این ارتباط به تصویب رسید.

اشکال و انواع مختلف بردگی

در فاصله دو جنگ جهانی اول و دوم، یکی از مهمترین مسائلی که جامعه ملل به مقابله با آن برخاست، سوء استفاده جنسی از زنان و دختران و اجیر کردن آنان برای فحشاء بود. در سال ۱۹۰۴ اولین مقاوله‌نامه در این مورد به تصویب رسید و دولت ایران

هم در سال ۱۹۱۰ رسماً به آن ملحق گردید. در این مقابله‌نامه، دول متعاقد متعهد گردیده بودند که اقدامات لازمه برای معارضه و مقابله با اشخاصی که زنان و دختران را اجیر کرده و برای فحشاء به کشورهای دیگر می‌برند به عمل آورند و اگر مشخص شود که زنان و دخترانی برای خودفروشی به کشور دیگر برده شده‌اند، آنها را به وطن اصلی خود عودت دهند.

در سال ۱۹۱۰ قرارداد دیگری به نام «قرارداد بین‌المللی راجع به جلوگیری از خرید و فروش سفیدپوستان» به امضاء رسید که دولت ایران در سال ۱۹۱۱ رسماً به این قرارداد ملحق شد. این قرارداد، که در حقیقت مکمل مقابله‌نامه ۱۹۰۴ بود، سوء استفاده از زنان به منظور اشاعه فحشاء جرم شناخته شده و دول متعاقد متعهد گردیده بودند که مرتکب را مجازات نمایند. ماده دوم این قرارداد مقرر می‌دارد: «هر کس برای انجام هوی و هوس دیگری به واسطه فریب و یا به وسیله زور و تهدید و سوء استعمال سلطه و یا هرگونه وسایل جبریه، زن و یا دختر کبیری را برای فسق اجیر و جلب و یا از راه عفت منحرف سازد ولو اینکه مبانی جرم در ممالک مختلفه صورت گرفته باشد باید مجازات شود.»

در سال ۱۹۲۱ قرارداد بین‌المللی الغاء خرید و فروش نسوان و کودکان به تصویب رسید که دولت ایران در سال ۱۳۰۰ هجری شمسی به آن ملحق گردید. در این قرارداد شروع اعمالی که در قرارداد مورخ ۱۹۱۰ قابل مجازات بودند نیز، جرم محسوب و قابل مجازات شناخته شد و مضافاً به اینکه علاوه به نسوان، کودکان اعم از ذکور و اناث هم مشمول حمایت‌های قانونی شدند.

در اکتبر ۱۹۳۳ قرارداد دیگری به نام «قرارداد بین‌المللی راجع به جلوگیری از معامله نسوان کبیره» به تصویب رسید که دولت ایران در سال ۱۳۱۳ هجری شمسی به آن ملحق شد. در مقدمه این قرارداد قید شده است که دول متعاقد مایلند جلوگیری از معامله نسوان و کودکان را به طور کاملتری تأمین نمایند. ماده اول قرار داد فوق‌الذکر مقرر می‌دارد: «هر کس برای شهوت‌رانی دیگری زن یا دختر کبیری را ولو با رضایت خودش برای فسق در مملکت دیگری اجیر و جلب و یا از راه عفت منحرف سازد ولو عملیات مختلفه که مبانی جرم محسوب می‌شود در ممالک دیگر صورت گرفته باشد باید

مجازات شود. شروع به ارتکاب جرم نیز قابل مجازات می‌باشد و همین‌طور عملیات مقدماتی ارتکاب جرم نیز در حدود قوانین قابل مجازات است.»

مطالعه مقابله‌نامه و قراردادهای بین‌المللی فوق‌الذکر، روشن‌گر این موضوع است که در ابتداء برده‌فروشی به مفهوم سوءاستفاده جنسی از زنان و کودکان مذموم و ناپسند شمرده شده و قابل مجازات بود، اما بتدریج مفهوم «بردگی» گسترش یافت از جمله کار اجباری نیز نوعی بردگی محسوب و منع گردید.^۱

مهمترین قراردادی که در این زمینه تهیه شد «قرارداد تکمیلی منع بردگی و برده‌فروشی و عملیات و ترتیباتی که مشابه بردگی است» بود که در سپتامبر سال ۱۹۵۶ به تصویب رسید و دولت ایران هم به آن محلق شد و مجلس شورای ملی نیز در سال ۱۳۳۷ متن قرارداد و الحاق ایران به آن را تصویب نمود و با این ترتیب قرارداد فوق‌الذکر رسماً جزء منابع حقوق داخلی شد.^۲

در قرارداد بین‌المللی اخیرالذکر بردگی بدین نحو تعریف و بیان شده است:

«بردگی به معنی حال یا وضع کسی است که اختیارات ناشیه از حق مالکیت کلاً یا جزاً نسبت به او اعمال می‌شود و برده کسی است که در چنین حال یا وضعی باشد.»

تعریف حقوقی «برده‌فروشی» از نظر قرارداد فوق چنین است: «برده‌فروشی به معنی و شامل کلیه اعمالی است که به منظور اسارت و تملک یا واگذاری شخص به قصد تنزل دادن او به درجه بردگی یا غلامی صورت می‌گیرد و هم‌چنین به معنی و شامل کلیه اعمالی است که به عنوان تملک بر روی برده به منظور فروش یا مبادله انجام می‌گیرد و ضمناً کلیه اعمال مربوط به انتقال حق تملک از طریق فروش یا مبادله نسبت به شخصی که به قصد فروش یا مبادله تحت تملک قرار گرفته و همچنین به‌طور کلی هرگونه تجارت یا حمل و نقل برده اعم از اینکه به هر نوع وسیله نقلیه انجام شود.»

از نظر قرارداد فوق‌الذکر، برخی از رسوم و ترتیبات، مشابه بردگی بوده و باید در جهان منسوخ گردد و این‌گونه امور طبق ماده اول قرارداد به شرح زیر عبارتند از:

۱. رجوع شود به صفحات ۳۹ الی ۴۲.

۲. مجموعه قوانین سال ۱۳۳۷، چاپ روزنامه رسمی کشور، صفحات ۵۹۱ الی ۵۹۶.

الف. اجبار به خدمت در مقابل دین: یعنی حال یا وضعی که از تعهد مدیون نسبت به خدمات شخصی خود یا شخص دیگری که در فرمان او است برای تضمین قرض ناشی می‌شود در صورتی که ارزش آن خدمات به نحوی که صحیحاً تقویم شود به مصرف استهلاک قرض نرسد یا طول مدت و نحوه آن خدمات محدود و مشخص نباشد.

ب. اصول (بندگی رعایا): یعنی وضع یا حال رعیت که به موجب قانون یا عرف یا قرارداد مکلف باشد در زمین متعلق به فرد دیگری زندگی و کار کند و برای فرد اخیر خدمات معینی را با دریافت اجرت یا رایگان انجام دهد و به هر حال حق تغییر وضع حال خود را نداشته باشد.

ج. هر ترتیب یا رسومی که به موجب آن:

۱. ابوین یا قیم یا کسان و یا شخص یا عده‌ای اشخاص دیگر زنی را بدون این که وی حق استنکاف داشته باشد به شخص دیگری وعده دهند یا به زوجیت او در آورند و در ازاء این امر مبلغی وجه نقد یا جنس دریافت نمایند.

۲. شوهر یا اقوام شوهر یا طایفه شوهر حق داشته باشند در مقابل اخذ وجه یا به طریق دیگر زن را به دیگری واگذار کنند - یا

۳. زنی پس از مرگ شوهر به شخص دیگر به ارث برسد.

د. هر گونه رسوم یا ترتیباتی که به موجب آن کودک یا فرد غیربالغ (کمتر از هیجده سال) توسط یکی از ابوین خود یا هر دوی ایشان یا توسط قیم در ازای اخذ وجه یا بدون اخذ وجه به منظور تمتع از کودک یا فرد غیربالغ یا استفاده از کار و به شخص دیگری تسلیم شود.

به منظور تسریع در خاتمه دادن به رسوم و ترتیبات مندرج در بند «ج»، دول متعاقد متعهد گردیدند که حداقل متناسبی برای سنین ازدواج معلوم کنند و ترتیبی بدهند که طرفین ازدواج به آسانی بتوانند در برابر مقام دولتی یا مقام روحانی صالح رضایت خود را بیان نمایند و مراسم ثبت ازدواج را تشویق نمایند.

نکته جالب توجه در قرارداد بین‌المللی اخیر الذکر، آن است که کلیه بردگانی که به خاک یا کشتی یکی از دول متعاقد قرارداد، پناهنده شوند به خودی خود آزاد خواهند شد.

بخش سوم

منع کار اجباری

مقدمه

آزادی در انتخاب شغل و حرفه و ایجاد شرایط منصفانه و تأمین حداقل معیشت برای کارگران و تساوی در دستمزد، همگی از اصولی هستند که در اعلامیه جهانی حقوق بشر شناخته شده و مورد تأکید قرار گرفته است. ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می‌دارد:

۱. هر کس حق دارد کار کند، کار خود را آزادانه انتخاب نماید، شرایط منصفانه و رضایت‌بخشی برای کار خواستار باشد و در مقابل بیکاری مورد حمایت قرار گیرد.
۲. همه حق دارند که بدون هیچ تبعیضی در مقابل کار مساوی، اجرت مساوی دریافت دارند.

۳. هر کس که کار می‌کند به مزد منصفانه و رضایت‌بخشی ذیحق می‌شود که زندگی او و خانواده‌اش را موافق شئون انسانی تأمین کند و آن را در صورت لزوم با هر نوع وسایل دیگر حمایت اجتماعی تکمیل نماید.

۴. هر کس حق دارد که برای دفاع از منافع خود با دیگران اتحادیه تشکیل دهد و در اتحادیه‌ها نیز شرکت کند.»

جهت تأمین و اجرای مفاد و اصول مندرج در ماده فوق‌الذکر، سازمان بین‌المللی کار چندین مقاله‌نامه و توصیه‌نامه تصویب نمود. در سال ۱۹۳۰ در چهاردهمین کنفرانس عمومی سازمان بین‌المللی کار که در ژنو منعقد گردید، مقاله‌نامه شماره ۲۹ در

خصوص کار اجباری به تصویب رسید. این مقاوله‌نامه مشتمل بر ۳۳ ماده است و ضمن آنکه دولت‌ها را دعوت به الغاء کار اجباری می‌نماید، مواردی را از شمول کار اجباری خارج می‌سازد. دولت ایران به این مقاوله‌نامه ملحق شده و متن آن نیز سال ۱۳۳۶ به تصویب پارلمان رسیده و جنبه قانونی یافته است.^۱

در تکمیل مقاوله‌نامه شماره ۲۹، پس از گذشت ۲۷ سال، کنفرانس عمومی سازمان بین‌المللی کار در چهلمین دوره اجلاس خود در سال ۱۹۵۷، مقاوله‌نامه شماره ۱۰۵ را در خصوص لغو کار اجباری تصویب نمود. این مقاوله‌نامه مشتمل بر یک مقدمه و ۱۰ ماده است که در تکمیل مقاوله‌نامه و توصیه‌نامه‌هایی که قبلاً در این مورد صادر شده بود، به تصویب رسیده است و دولت ایران به این مقاوله‌نامه ملحق گردید و متن آن هم در سال ۱۳۳۷ به تصویب پارلمان ایران رسید.^۲

مفهوم حقوقی کار اجباری

ماده دوم مقاوله‌نامه شماره ۲۹، کار اجباری را بدین نحو تعریف کرده است: «کار قهری یا اجباری به کار یا خدماتی اطلاق می‌شود که با تهدید به مجازات و بی‌آنکه شخص ذینفع به میل و رضای خاطر برای انجام آن داوطلب باشد به وی تحمیل می‌گردد» بنابراین پرداخت دستمزد نمی‌تواند جنبه «اجباری» بودن را سلب نماید یعنی اگر کسی را اجبار به انجام کاری نمایند و به وی دستمزد کلانی هم پرداخت کنند، باز هم این عمل از نظر حقوقی «کار اجباری» است.

ماده ۲ مقاوله‌نامه شماره ۲۹ موارد زیر را از شمول کار اجباری خارج می‌سازد:
الف. هر کار یا خدمتی که طبق نظام وظیفه عمومی به شخصی محول گردد و صرفاً جنبه نظامی داشته باشد.

ب. هر کار و خدمتی که جزء تعهدات مدنی و عادی اهالی کشور خود مختار و مستقلی محسوب گردد.

۱. مجموعه قوانین سال ۱۳۳۶، چاپ روزنامه رسمی، صفحات ۵۴ الی ۶۳.
۲. مجموعه قوانین سال ۱۳۳۷، چاپ روزنامه رسمی، صفحات ۴۶۵ الی ۴۶۷.

پ. هر کار و خدمتی که در نتیجه محکومیت در دادگاه‌های صالح به محکومین تحمیل شود به شرط اینکه زیر نظر و تحت مراقبت مقامات عمومی کشور انجام گیرد و به اشخاص ثالث و شرکت‌ها و شخصیت‌های حقوقی یا بنگاه‌های خصوصی واگذار نشده باشد.

ت. هر کار و خدمتی که به حکم اجبار (فرس ماژور) تحمیل گردد. مثلاً هنگام جنگ یا مواقع بروز و احتمال بروز آفات و پیش آمدهای ناگوار از قبیل آتش‌سوزی و سیل و قحط و غلا و زلزله و شیوع امراض مسری بین مردم یا حیوانات و هجوم حیوانات و حشرات موذی و انگل‌های نباتی مضر و بطور کلی هر گاه شرایط عادی زندگانی عمومی یا زندگی یا قسمتی از سکنه یک کشور منقلب شده و در معرض مخاطره قرار گرفته باشد.

ث. کارهای جزئی و عمومی روستایی که به نفع مستقیم یک جمعیت و از طرف خود اعضاء و افراد آن جمعیت بایستی انجام پذیرد و بتوان این قبیل عملیات را جزء وظایف عادی آن جمعیت دانست مشروط به اینکه خود افراد آن جمعیت و یا لاقلاً نمایندگان مستقیم ایشان حق داشته باشند درباره لزوم خدمات مزبور تصمیم لازم اتخاذ نمایند.

مقامات صلاحیتدار فقط در صورتی می‌توانند اهالی یک ناحیه را به کشت و زرع اجباری وادار سازند که بیم بروز قطعی مشهود باشد و در هر حال غلات یا محصولات دیگری که از این طریق به دست می‌آید باید به خود افراد یا دستجاتی که به کشت آن مبادرت ورزیده‌اند واگذار شود.

منع کار اجباری

دول متعاقد، متعهد گردیده‌اند که از کار اجباری به هر صورتی که باشد جلوگیری نموده و از مبادرت به استفاده از هر گونه کار اجباری خصوصاً در موارد زیر خودداری نمایند:

الف. به صورت تحمیل یا آموزش عقاید سیاسی، مجازات، تنبیه به علت داشتن یا ابراز عقاید سیاسی یا عقایدی که از نقطه نظر ایدئولوژی مخالف سیستم موجود سیاسی اجتماعی و اقتصادی باشد.

ب. به عنوان بسیج کارگران و استفاده از آنان به قصد توسعه و پیشرفت اقتصادی.

ج. به صورت انضباط.

د. به عنوان تنبیه و مجازات به علت شرکت در اعتصابات.

ه. به صورت تبعیضات نژادی، اجتماعی، ملی و مذهبی.

نه تنها کار اجباری برای دولت‌ها ممنوع است بلکه دولت‌های متعاقد، متعهد هستند که اجازه ندهند کار اجباری به نفع افراد یا شرکت‌ها و شخصیت‌های حقوقی تحمیل شود و همچنین امتیازاتی که از طرف دولت‌های به افراد یا اشخاص حقوقی واگذار می‌شود نباید متضمن این اثر باشد که یک نوع کار اجباری به منظور تولید یا جمع‌آوری موادی که توسط افراد و شرکت‌ها مورد استفاده یا معامله قرار می‌گیرد برقرار شود.

کار اجباری به عنوان تأدیه مالیات ممنوع است و دولت‌های متعاقدی که مالیات خود را بدین صورت وصول می‌کنند موظفند آن را ملغی سازند و تا رفع الغای کامل آن، کار اجباری فقط با شرایطی که در مقاله‌نامه شماره ۲۹ قید شده است، جایز می‌باشد.

هر گاه طبق قوانین موضوعه کشوری یا محلی برای پاره‌ای جرائم، کیفرهای عمومی پیش‌بینی شده باشد کار اجباری را نمی‌توان جزء مجازات‌های مذکور به حساب آورده و به افراد یا دستجات و اجتماعات تحمیل نمود.

نکته قابل توجه آن است که مقاله‌نامه شماره ۲۹، کار اجباری را در مواردی و تحت شرایطی مجاز دانسته اما مقاله‌نامه شماره ۱۰۵ که بعداً در سال ۱۹۵۷ به تصویب رسیده است کار اجباری را ممنوع اعلام کرده و دول متعاقد را متعهد می‌کند که اقدامات فوری و کامل جهت الغاء کار اجباری به عمل آورند.

بخش چهارم

منع کشتار جمعی

مقدمه

کشتار جمعی (ژنوسید) جنایتی است که علیه بشریت که به نیت نابودی تمام یا قسمتی از گروه ملی و قومی و نژادی یا مذهبی ارتکاب می‌گردد. به عنوان نمونه می‌توان به کشتار جمعی یهودیان در آلمان هیلتری و سیاه‌پوستان در آفریقای جنوبی و کردها در عراق اشاره کرد. ارتکاب چنین جنایت وحشیانه‌ای، دنیای متمدن را آزرده خاطر می‌سازد و برای مقابله با آن همکاری بین ملل بیدار و آگاه جهان ضرورت دارد و به همین دلیل مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۶ قرارداد بین‌المللی جلوگیری از کشتار جمعی را تصویب نمود که دولت ایران نیز به آن ملحق گردید و در سال ۱۳۳۴ با تصویب پارلمان جنبه قانونی یافت.^۱ به موجب قرارداد مذکور، کشتار جمعی (ژنوسید) منع گردیده و اشخاصی که مرتکب آن شوند اعم از اینکه اعضاء حکومت یا مستخدمین دولت و یا اشخاص عادی باشند، مجازات خواهند شد. همچنین دول متعاقد قبول کردند که کشتار جمعی (ژنوسید) جرم سیاسی نبوده و مرتکبین آن تابع مقررات استرداد مجرمین خواهند بود.

مفهوم حقوقی ژنوسید (کشتار جمعی)

طبق تعریف ماده دوم قرارداد بین‌المللی جلوگیری از کشتار جمعی، ژنوسید، یکی از

۱. مجموعه قوانین سال ۱۳۳۲، صفحات ۴۹۵ الی ۴۸۹، چاپ روزنامه رسمی کشور.

اعمال مشروحه ذیل است که به نیت نابودی تمام یا قسمتی از گروه ملی و قومی و نژادی یا مذهبی ارتکاب گردد:

۱. قتل اعضاء آن گروه.
 ۲. صدمه شدید نسبت به سلامت جسمی و یا روحی افراد آن گروه.
 ۳. قرار دادن عمدی گروه در معرض وضعیت زندگانی نامناسبی که منتهی به زوال قوای جسمی کلی یا جزئی آن بشود.
 ۴. اقداماتی که به منظور جلوگیری از توالد و تناسل آن گروه صورت گیرد.
 ۵. انتقال اجباری اطفال آن گروه به گروه دیگر.
- نکته حائز اهمیت آن است که از بین بردن گروه سیاسی شامل ژنوسید نمی‌گردد و به عبارت دقیقتر خصیصه سیاست در مجنی علیهم شرط نمی‌باشد.
- مرتکبین کشتار جمعی (ژنوسید) مجرم عادی محسوب می‌گردند و نه تنها ارتکاب ژنوسید قابل مجازات است بلکه شرکت در جرم و شروع به ارتکاب و تبانی و تحریک مستقیم و علنی برای ارتکاب ژنوسید نیز قابل مجازات است.
- اشخاص بزهکار به دادگاه‌های صالح کشوری که جرم در آنجا ارتکاب شده و یا به دادگاه کیفری بین‌المللی که طرف‌های متعاقد، صلاحیت آن را شناخته باشند، جلب خواهند شد.

بخش پنجم

منع تبعیض نژادی

مقدمه

یکی از وجوه حقوق بشر، تساوی افراد است. هیچ‌کس را بر دیگری مزیتی نیست، انسان‌ها از جهت حقوق و حیثیت انسانی برابرند و هر نوع برتری و تفوق بر اساس نژاد، رنگ، نسب و یا منش ملی و قومی مردود و باطل است و این نکته به کرات مورد تأیید و تأکید سازمان ملل متحد قرار گرفته است، از جمله قرارداد بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی مشتمل بر یک مقدمه و بیست و پنج ماده در ۲۱ دسامبر ۱۹۶۵ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید و از سال ۱۹۶۹ به مرحله اجرا درآمد.

این قرارداد که در مارس ۱۹۶۷ (۱۳۴۵) به امضاء نماینده دائمی ایران در سازمان ملل متحد رسیده بود در سال ۱۳۴۷ به تصویب پارلمان ایران نیز رسید.^۱ و از جهت حقوق داخلی جنبه قانونی یافت. در مقدمه قرارداد بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی آمده است: «... با اطمینان به اینکه فرضیه سیادت و تفوق مبتنی بر اختلاف بین نژادها عملاً مردود و اخلاقاً محکوم و از نظر اجتماعی غیر عادلانه و خطرناک بوده و تبعیض نژادی نه از لحاظ نظری و نه از لحاظ عملی قابل توجیه نمی‌باشد و با تأیید مجدد اینکه تبعیض بین افراد بشر به جهات مبتنی بر نژاد و رنگ و یا ریشه قومی سدی در برابر وجود روابط دوستانه و مسالمت‌آمیز در میان ملل بوده و امکان دارد صلح و امنیت بین ملل و

۱. مجموعه قوانین سال ۱۳۴۷، چاپ روزنامه رسمی کشور، صفحه ۲۲۲ الی ۲۴۱.

همچنین همزیستی هماهنگ اشخاص را در داخل یک دولت مختل سازد...» - در حقیقت بیم و وا همه از اختلال در صلح بین‌المللی و امنیت داخلی، انگیزه تدوین و تصویب قرارداد بین‌المللی از میان بردن تبعیض نژادی بوده است.

قرارداد مذکور شامل سه بخش است:

بخش اول که در برگیرنده مواد ۱ الی ۷ است، تبعیض نژادی تعریف شده و با شناسایی حقوق سیاسی، مدنی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برابر، برای کلیه افراد، تعهدات دول عاقد در زمینه رفع تبعیض نژادی تعیین شده است.

در ماده اول هر نوع «تمایز و ممنوعیت یا محدودیت یا رجحان بر اساس نژاد و رنگ یا نسب یا منشاء ملی و قومی» مردود شناخته شده است.

نکته حائز اهمیت آن است که، تبعیض نژادی بین اتباع یک کشور مردود و ممنوع اعلام شده ولی به دولت‌ها اجازه داده شده است که امتیازاتی برای اتباع کشور خود در نظر گیرند. مانند حق شرکت در انتخابات که مخصوص اتباع هر کشوری است و معمولاً اتباع بیگانه از آن محروم هستند. بند دوم ماده اول قرارداد در این خصوص مقرر می‌دارد: «قرارداد حاضر ناظر به تمایزات و ممنوعیت‌ها و محدودیت‌ها و یا رجحاناتی که هر یک از دول عاقد قرارداد بین اتباع خود و اتباع سایر دول قائل می‌شوند نخواهد بود.»

در بخش اول قرارداد بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی، دولت‌های عاقد قرارداد متعهد هستند که هیچ روش تبعیض نژادی را که از طرف فرد یا سازمانی اتخاذ گردیده مورد تشویق و یا تأیید قرار ندهند و از همه مهمتر دولت‌های طرف قرارداد باید نشر هر نوع افکار مبتنی بر تفوق یا نفرت نژادی و تحریک به تبعیض نژادی را قانوناً از جرائم قابل مجازات اعلام نمایند.

در اجرای این تعهد، دولت ایران در سال ۱۳۵۶، قانون مجازات تبعیض نژادی را به تصویب پارلمان رسانید. ماده اول قانون مذکور چنین مقرر می‌دارد:

«نشر هر نوع افکار مبتنی بر تبعیض بر اساس نژاد یا جنس و نفرت نژادی و تحریک به تبعیض بر اساس نژاد و یا جنس از طریق یکی از وسایل تبلیغ عمومی علیه هر گروه که از حیث نژاد، جنس و رنگ و قومیت متفاوت باشند و نیز هر نوع مساعدت من جمله کمک مالی به فعالیت‌های تبعیض نژادی ممنوع است و مرتکب به حبس جنبه‌ای تا

شش ماه یا به پرداخت جزای نقدی از ده هزار ریال تا پنجاه هزار ریال محکوم خواهد شد مگر اینکه عمل به موجب قوانین دیگر مستوجب مجازات شدیدتری باشد که در این صورت مجازات اشد قابل اعمال خواهد بود.^۱

نکته قابل تذکر آن است که در قرارداد بین‌المللی، تبعیض بر اساس جنسیت پیش‌بینی نشده است و فقط تبعیض بر اساس نژاد و رنگ، نسب، منش ملی و قومی مورد نظر می‌باشد، اما در قانون مجازات تبلیغ نژادی گامی فراتر رفته و تبعیض بر اساس جنسیت را هم مردود شناخته و قابل مجازات می‌داند.

در بخش دوم قرارداد که دربرگیرنده مواد ۸ الی ۱۶ می‌باشد برای رفع هر نوع تبعیض نژادی تشکیل کمیته‌ای مرکب از ۱۸ نفر از کارشناسان واجد صفات عالی اخلاقی و بی‌طرف، پیش‌بینی شده است، وظیفه کمیته نظارت بر رفع هر نوع تبعیض نژادی است. در بخش سوم، که شامل مواد ۱۷ الی ۲۵ است، نحوه الحاق، تجدید نظر و فسخ قرارداد پیش‌بینی شده است.

کمیته رفع تبعیضات نژادی

کمیته رفع تبعیضات نژادی مرکب از ۱۸ نفر کارشناس واجد صفات عالی اخلاقی و بیطرف که من باب اهلیت و مقام شخصی انجام وظیفه خواهند نمود و از طرف دول عاقد قرارداد با توجه به فرم توزیع جغرافیایی عادلانه و اشکال مختلفه تمدن و سیستم‌های عمده قضایی، برای چهار سال انتخاب می‌شوند.

اعضای کمیته با رأی مخفی از بین کسانی که دول عاقد برای عضویت کمیته نامزد کرده‌اند انتخاب می‌شوند. هر دولت عضو می‌تواند یک نفر را از میان اتباع خود نامزد کند.

دبیر کل سازمان ملل متحد فهرست اسامی کلیه کسانی که نامزد شده‌اند به ترتیب حروف الفبا و با ذکر نام دول عضوی که آنها را نامزد کرده‌اند، تهیه و به دول عاقد این قرارداد ارسال خواهد نمود.

۱. مجموعه قوانین سال ۱۳۶۵، صفحات ۲۰۳ الی ۲۰۴، چاپ روزنامه رسمی کشور.

انتخاب اعضای کمیته در جلسه‌ای متشکل از کلیه دول عضو قرارداد، انجام خواهد گرفت. برای رسمیت جلسه مذکور حضور دو سوم دول عضو ضرورت دارد و کسانی به عضویت کمیته انتخاب می‌شوند که تعداد بیشتر و اکثریت مطلق آراء را به دست آورند. برای جانشینی کارشناسی که به علل غیرمنتظره از ادامه وظایف خود و کمیته دست کشیده، دولت متبوع او کارشناس دیگری را از میان اتباع خود مشروط به تصویب کمیته منصوب می‌کند.

پرداخت هزینه و مخارج اعضای کمیته، مادامی که در کمیته انجام وظیفه می‌کنند به عهده دول عضو خواهد بود.

نحوه رسیدگی به ادعای تبعیض نژادی

هرگاه یکی از دول عضو متوجه شود که یکی دیگر از دول عضو قرارداد، مقررات آن را محترم ندانسته و قواعد مربوطه را نادیده می‌انگارد، مراتب را به کمیته اطلاع خواهد داد، کمیته موضوع را به اطلاع دولتی که از وی شکایت شده می‌رساند، دولت مذکور باید ظرف سه ماه توضیحات کتبی خود را به کمیته تسلیم دارد و رونوشتی از این گزارش برای دولت شاکی ارسال خواهد شد.

هرگاه ظرف شش ماه از تاریخ اطلاع اولیه به دولت دریافت کننده شکایت موضوع از طریق مذاکرات دو جانبه یا هر طریق دیگری به صلح و سازش خاتمه نیابد هر یک از دو دولت مذکور حق دارند از کمیته درخواست رسیدگی نمایند و تقاضای خود را به دولت دیگر نیز اطلاع دهند.

کمیته وقتی به موضوع رسیدگی خواهد کرد که مطمئن باشد قبلاً کلیه طرق دادخواهی در حقوق داخلی طی شده و به نتیجه نرسیده است. بهر حال وقتی کمیته وارد رسیدگی شود هر یک از دول ذینفع می‌تواند نماینده‌ای تعیین و بدون داشتن حق رأی در تمام جلسات شرکت کند.

پس از آنکه کمیته کلیه اطلاعات لازم را جمع‌آوری نمود می‌تواند موضوع را به کمیسیون ویژه سازش ارجاع نماید. این کمیسیون مرکب از ۵ نفر کارشناس واجد صلاحیت است که اعضاء آن با رضایت کامل طرفین انتخاب می‌شوند. هرگاه طرفین

اختلاف ظرف سه ماه در خصوص ترکیب اعضای کمیسیون به توافق نرسند آن عده از اعضا کمیسیون که مورد توافق طرفین اختلاف قرار نگرفته‌اند با رأی مخفی و به اکثریت دو ثلث آراء اعضا کمیته از بین اعضای خود کمیته انتخاب خواهند شد.

کمیسیون ویژه سازش کلیه مساعی خود را برای حل و فصل دوستانه که مبتنی بر احترام و مراعات مفاد قرارداد باشد، به کار خواهد برد. پس از بررسی کامل موضوع و مطالعه کلیه اطلاعاتی که از طریق کمیته در اختیار وی گذارده شده است، گزارشی تهیه و تقدیم رئیس کمیته خواهد کرد. در این گزارش استنباط کمیسیون در مسائل مورد اختلاف قید شده و متضمن توصیه‌هایی برای حل دوستانه اختلاف است.

رئیس کمیته گزارش کمیسیون را برای هر یک از دول طرف اختلاف ارسال می‌دارد و دول مذکور باید ظرف سه ماه موافقت یا مخالفت خود را با مفاد گزارش به کمیته اطلاع دهند. پس از انقضای مدت فوق‌الذکر رئیس کمیته، گزارش کمیسیون را به انضمام اظهاریه‌های دول طرف اختلاف برای کلیه دول عاقد قرارداد ارسال خواهد نمود.

مورد دیگری که کمیته رفع تبعیض نژادی صلاحیت رسیدگی دارد، در بند ۱ ماده ۱۴ قرارداد پیش‌بینی شده است، به موجب بند مذکور، هر یک از دول عاقد قرارداد می‌تواند در هر موقع اعلام کند که صلاحیت کمیته را برای رسیدگی به شکایت اتباع خود که مدعی هستند با نقض یکی از حقوق مطروحه در قرارداد مورد تعدی و تجاوز قرار گرفته‌اند به رسمیت می‌شناسد. کمیته هرگز نمی‌تواند به شکایت اتباع دولتی که اعلامیه‌ای مبنی بر شناسایی صلاحیت کمیته را تسلیم ننموده است رسیدگی کند.

شاکس می‌بایستی ثابت کند که قبلاً کلیه طرق دادخواهی را بر طبق حقوق داخلی کشور متبوع خود طی کرده و نتیجه‌ای نگرفته است. پس از وصول شکایت به طریق فوق، مراتب به نظر دولت عاقدی که شاکس مدعی است مقررات مربوط به منع تبعیض نژادی را نقض کرده است می‌رسد و لکن هویت شخص و یا گروه افراد شاکس را بدون رضایت صریح شخص یا گروه نمی‌توان فاش ساخت.

دولت مربوطه ظرف سه ماه از تاریخ دریافت شکایت می‌بایستی به آن جواب داده و پاسخ خود را به کمیته ارسال دارد. کمیته پس از بررسی کامل، پیشنهادها و توصیه‌های احتمالی خود را به اطلاع دولت مربوطه و شاکس خواهد رسانید.

کمیته هر سال گزارشی تهیه و در آن خلاصه‌ای از پیشنهادات و توصیه‌هایی که به دول عاقد نموده است قید خواهد کرد. این گزارش توسط دبیر کل سازمان ملل متحد به مجمع عمومی سازمان ملل ارسال خواهد شد.

کنوانسیون بین‌المللی منع و مجازات جنایت آپارتاید

کنوانسیون بین‌المللی منع مجازات آپارتاید که در سی‌ام نوامبر ۱۹۷۳ به تصویب رسید، مشتمل بر یک مقدمه و ۱۹ ماده است. دولت ایران به این کنوانسیون که در آن سیاست‌های نژادی مورد تقبیح قرار گرفته بود، بعد از پیروزی انقلاب ملحق شد و متن کنوانسیون در سال ۱۳۶۳ به تصویب پارلمان ایران رسید^۱ و با این ترتیب جزء منابع حقوق داخلی شد.

در مقدمه این کنوانسیون چنین آمده است: «با ملحوظ داشتن اینکه شورای امنیت تأکید نموده است که آپارتاید و توسعه و تشدید مداوم آن، صلح و امنیت بین‌المللی را مختل نموده و در معرض تهدید قرار می‌دهد...» و بدین ترتیب سازمان ملل متحد که تبعیض نژادی را یکی از عوامل مؤثر در ایجاد ناآرامی‌ها و اغتشاشات بین‌المللی معرفی نموده، در صدد چاره‌جویی و ارائه راه‌حل برای آن برآمده است.

ماده دوم این کنوانسیون به واژه «جنایت آپارتاید» اشاره کرده و در تعریف این لغت مقرر می‌دارد که اعمال زیر «جنایت آپارتاید» محسوب می‌شوند:

الف. انکار حق حیات یا آزادی شخصی در مورد عضو یا اعضای یک گروه و یا گروه‌های نژادی از طریق:

۱. قتل عضو یا اعضای یک گروه و یا گروه‌های نژادی.

۲. وارد آوردن صدمات شدید روحی و جسمی بر یک گروه و یا گروه‌های نژادی به وسیله نقض آزادی و یا حیثیت آنها و یا شکنجه نمودن، یا انجام رفتار و یا مجازات ظالمانه، غیرانسانی و ترذیلی در مورد آنان.

۳. از طریق خودسرانه و حبس غیرقانونی اعضای گروه و یا گروه‌های نژادی.

۱. مجموعه قوانین سال ۱۳۶۳، چاپ روزنامه رسمی کشور، صفحات ۲۷۲ الی ۲۷۸.

ب. تحمیل تعمدی شرایط زندگی بر یک گروه یا گروه‌های نژادی که غرض از آن نابودی تمام یا قسمتی از گروه و یا گروه‌های مزبور باشد.

ج. هرگونه اقدامات قانونی و یا اقدامات دیگر که منظور از آنها بازداشتن گروه و یا گروه‌هایی از مشارکت در زندگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور یا ایجاد تعمدی شرایطی جهت جلوگیری از توسعه یک چنین گروه یا گروه‌هایی بخصوص با محروم کردن اعضای یک گروه و یا گروه‌های نژادی از حقوق بشر و آزادی‌ها شامل: حق کار، حق تشکیل اتحادیه‌های کارگری مجاز، حق تحصیل، حق ترک و بازگشت به وطن، حق داشتن ملیت، حق آزاد بودن در رفت و آمد یا اقامت، حق آزادی عقیده و بیان، حق آزادی تشکیل مجمع و یا انجمن مسالمت‌آمیز.

د. هرگونه اقدام از جمله اقدامات قانونی که منظور از آنها تقسیم جمعیت بر اساس مرزهای نژادی از طریق ایجاد جایگاه‌ها و محله‌های جداگانه برای اعضاء گروه و یا گروه‌های نژادی، تحریم ازدواج‌های مختلط در بین اعضای گروه‌های نژادی مختلف، سلب مالکیت اراضی از اعضای یک گروه یا گروه‌های نژادی، باشد.

ه. استثمار از نیروی کار اعضای گروه‌های نژادی بخصوص با تحمیل نمودن کار اجباری به آنان.

و. تعقیب و آزار سازمان‌ها و اشخاصی که مخالف آپارتاید باشند، از طریق محروم نمودن آنان از حقوق و آزادی‌های سیاسی.

کشورهای طرف کنوانسیون تعهد می‌نمایند که با تصویب قوانین و اتخاذ تدابیر ضروری، اشخاص و گروه‌هایی را که مرتکب جنایت آپارتاید می‌شوند محاکمه و مجازات کنند، همچنین کشورهای عضو می‌پذیرند که جرائم مندرج در کنوانسیون، از لحاظ استرداد مجرمین، جرم سیاسی تلقی نمی‌گردد و کشورهای عضو در این‌گونه موارد باید اجازه استرداد مجرمین را بدهند.

بخش هشتم

منع تبعیض در استخدام و اشتغال

مقدمه

اعلامیه جهانی حقوق بشر اعلام می‌دارد که تمام افراد بشر از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند و یکی از وجوه این برابری مربوط به اشتغال است. ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر چنین مقرر می‌دارد:

۱. هر کس حق دارد کار کند، کار خود را آزادانه انتخاب نماید، شرایط منصفانه و رضایت‌بخشی برای کار خواستار باشد و در مقابل بیکاری مورد حمایت قرار گیرد.
۲. همه حق دارند که بدون هیچ تبعیضی در مقابل کار مساوی، اجرت مساوی دریافت دارند.

۳. هر کس که کار می‌کند به مزد منصفانه و رضایت‌بخشی ذیحق می‌شود که زندگی او و خانواده‌اش را موافق شئون انسانی تأمین کند و آن را در صورت لزوم با هر نوع وسایل دیگر حمایت اجتماعی، تکمیل نماید.

۴. هر کس حق دارد برای دفاع از منافع خود با دیگران اتحادیه تشکیل دهد و در اتحادیه‌ها نیز شرکت کند.

بنابراین کلیه افراد از جهت امکان دستیابی به حرفه و شغل مورد علاقه خویش باید از شرایط مساوی و یکسانی برخوردار گردند و هرگونه تبعیضی در اینگونه امور مردود است.

مقاوله‌نامه بین‌المللی مربوط به تبعیض در امور استخدام و اشتغال

کنفرانس عمومی سازمان بین‌المللی کار در چهل و دومین دوره اجلاس خود که در ژوئن ۱۹۵۸ در ژنو منعقد گردید، مقاوله‌نامه بین‌المللی شماره ۱۱۱ مربوط به تبعیض در امور استخدام و اشتغال را تصویب نمود. این مقاوله‌نامه که به امضاء نماینده دولت ایران رسیده بود در سال ۱۳۴۳ به تصویب پارلمان ایران نیز رسید و از جهت حقوق داخلی جنبه قانونی یافت.^۱

به موجب ماده دوم مقاوله‌نامه مذکور، کلیه دول متعاقد، متعهد گردیدند که با اتخاذ یک سیاست عمومی و ملی هر نوع تبعیض در استخدام و اشتغال و شرایط سلوک با کارگر را از بین ببرند. ماده اول مقاوله‌نامه، تبعیض را از جهت حقوقی به شرح زیر تعریف کرده است.

الف. هرگونه تفاوت یا محرومیت یا تقدم که بر پایه نژاد، رنگ پوست، جنسیت، مذهب، عقیده سیاسی و یا سابقه ملیت آباء و اجداد یا طبقه اجتماعی برقرار بوده و در امور مربوط به استخدام و اشتغال تساوی احتمال موفقیت و رعایت مساوات در شرایط سلوک با کارگر را به کلی از میان برده و یا بدان لطمه وارد سازد.

ب. هرگونه تفاوت دیگر یا محرومیت و یا تقدم که نتیجه آن از میان بردن یا محدودیت تساوی احتمال موفقیت و شرایط سلوک و رفتار با کارگران باشد و پس از استماع نظریه سازمان‌های کارگری کارفرمایی ذینفع از طرف مقامات صلاحیتدار به این عنوان شناخته و معرفی گردد.

نکته قابل توجه آن است که، تفاوت یا محرومیت یا حق تقدمی که بر پایه صلاحیت حرفه‌ای جهت اشتغال به حرفه معینی، ضروری شناخته شده باشد، تبعیض محسوب نخواهد شد. به طور مثال برای سرپرستی یک کارخانه شخصی که دارای تحصیلات مهندسی است بر لیسانسیه ادبیات ارجحیت دارد و این موضوع تبعیض محسوب نمی‌شود.

مطابق ماده ۴ مقاوله‌نامه مذکور، اقداماتی که علیه شخص معینی که انفراداً مورد

۱. مجموعه قوانین سال ۱۳۴۳، چاپ روزنامه رسمی، صفحات ۷۶ الی ۸۰.

سوءظن واقع شده است و احتمال داده می‌شود که علیه امنیت مقامات دولتی اقدام می‌نماید یا مسلم شده است که به چنین فعالیتی می‌پردازد، تبعیض محسوب نمی‌شود، لیکن بدیهی است که شخص مورد نظر باید حق و اجازه داشته باشد که در این خصوص به یک مقام صلاحیت‌دار ملی که بر طبق اصول و آئین مرسوم محلی مستقر گردیده است، رجوع کند.

طبق ماده سوم مقاوله‌نامه فوق‌الذکر، دول متعاقد، متعهد گردیده‌اند که مفاد این مقاوله‌نامه را در مورد مشاغل دولتی اجرا نمایند و همچنین کلیه مقررات قانونی و اصول معمول اداری را که با اصل تساوی در استخدام و اشتغال مباینت داشته باشد، لغو یا اصلاح نمایند.

بخش هفتم

مبارزه با تبعیض در امر تعلیمات

مقدمه

اطلاعیه جهانی حقوق بشر ضمن تأیید اصل عدم تبعیض، حق مسلم یکایک افراد بشر را در برخورداری از آموزش و پرورش به رسمیت شناخته است.

اصل ۲۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می‌دارد:

۱. هر کس حق دارد که از آموزش و پرورش بهره‌مند شود. آموزش و پرورش لااقل تا حدودی که مربوط به تعلیمات ابتدایی و اساسی است باید مجانی باشد. آموزش ابتدایی اجباری است. آموزش حرفه‌ای باید عمومیت پیدا کند و آموزش عالی باید با شرایط تساوی کامل، به روی همه باز باشد تا همه، بنا به استعداد خود بتوانند از آن بهره‌مند گردند.

۲. آموزش و پرورش باید طوری هدایت شود که شخصیت انسانی هر کس را به حد اکمل رشد آن برساند و احترام حقوق و آزادی‌های بشر را تقویت کند. آموزش و پرورش باید حسن تفاهم، گذشت و احترام عقاید مخالف و دوستی بین تمام ملل و جمعیت‌های نژادی یا مذهبی و همچنین توسعه فعالیت‌های ملل متحد را در راه حفظ صلح، تسهیل نماید.

۳. پدر و مادر در انتخاب نوع آموزش و پرورش فرزندان خود نسبت به دیگران اولویت دارند.

جهت تحقق هر چه بیشتر اصل فوق و مبارزه با هر نوع تبعیض در امر آموزش و پرورش، یازدهمین اجلاس کنفرانس عمومی سازمان تربیتی و علمی و فرهنگی ملل

متحد (یونسکو) در دسامبر ۱۹۶۰، قرارداد بین‌المللی مبارزه با تبعیض در امر تعلیمات را تصویب نمود. قرارداد مذکور مشتمل بر یک مقدمه و ۱۹ ماده است که دولت ایران به آن محلق گردیده و با تصویب پارلمان در سال ۱۳۴۶ رسماً جزء منابع حقوق داخلی شد.^۱ در قرارداد بین‌المللی فوق‌الذکر، دول متعاقد گردیدند که سیاستی اتخاذ نمایند که نتیجه عملی آن دادن فرصت و امکان مساوی به افراد و اتخاذ رفتار مساوی با آنان باشد.

مفهوم تبعیض

بنابر تعریف ماده اول قرارداد بین‌المللی مبارزه با تبعیض در امر تعلیمات، تبعیض شامل هر گونه وجه تمایز خاص، محرومیت تا تحدید و یا ترجیحی است که بر مبنای نژاد، رنگ، جنس، زبان، دین، عقیده سیاسی یا هر گونه عقیده دیگر، ملیت یا وضع اجتماعی اصلی، شرایط اقتصادی و یا تولد باشد و موضوع یا نتیجه آن از میان بردن تساوی رفتار نسبت به افراد در برخورداری از تعلیمات یا تحریف آن و بخصوص در موارد مذکور در زیر باشند:

- الف. محروم کردن یک شخص یا گروه از دسترسی به انواع و یا درجات مختلف تعلیمات.
 - ب. محدود کردن تعلیم و تربیت یک شخص یا یک گروه به حد پائین‌تری.
 - ج. ایجاد و حفظ روش‌ها یا مؤسسات تعلیماتی جداگانه برای اشخاص یا گروه‌ها.
 - د. قرار دادن شخص یا گروه در وضعی که مغایر با شئون انسانی باشد.
- ماده دوم قرارداد بین‌المللی مبارزه با تبعیض در امر تعلیمات، مقرر می‌دارد که موارد زیر تبعیض تلقی نخواهد شد:

۱. ایجاد یا حفظ نظام و یا مؤسسات تعلیماتی جداگانه برای شاگردان پسر و دختر منوط به اینکه در نظام و مؤسسات جداگانه برای هر یک از دو گروه مذکور تسهیلات مشابه برای دسترسی به تعلیمات وجود داشته باشد و هر دو گروه، از معلمین متشابه‌الصلاحیت و ساختمان‌های آموزشی و تجهیزات هم‌تراز برخوردار باشند و بتوانند از برنامه‌های تعلیمات یکسان و یا متشابه استفاده نمایند.

۱. مجموعه قوانین سال ۱۳۴۶، صفحات ۲۳۸ الی ۳۴۴، چاپ روزنامه رسمی کشور.

۲. ایجاد یا حفظ نظام یا مؤسسات تعلیماتی جداگانه به علل مربوط به دین یا زبان در صورتی که در آنها تعلیماتی داده شود که با تمایلات والدین یا قیم قانونی اطفال وفق داشته باشد مشروط بر اینکه قبول چنین نظام یا ورود به چنین مؤسساتی اختیاری باشد و تعلیماتی که در آن داده می شود مطابق اصولی باشد که از طرف مقامات صلاحیتدار برای تعلیمات و بخصوص تعلیمات هم درجه آن مقرر یا تصویب شده است.

۳. ایجاد یا حفظ مؤسسات تعلیماتی غیردولتی، هرگاه هدف این مؤسسات محروم ساختن گروهی نباشد بلکه بالعکس منظور از آن افزودن به امکانات تحصیلی باشد که مقامات دولتی به وجود آورده اند و تعلیماتی که در آنها داده می شود مطابق با اصولی باشد که از طرف مقامات صالحه برای تعلیمات و بخصوص تعلیمات هم درجه آن مقرر یا تصویب شده است.»

نحوه مبارزه با تبعیض

برای رفع هرگونه تبعیض، دول متعاقد تعهد می نمایند که:

الف. کلیه مقررات قانونی و اداری و همچنین کلیه اعمال و رویه های اداری را که تبعیض در امر تعلیمات را شامل باشد لغو کنند.

ب. اقدامات لازمه را (و در صورت لزوم از طریق وضع قانون) به عمل آورند تا هیچگونه تبعیضی در امر پذیرش شاگردان در مدارس و مؤسسات تعلیماتی نشود.

ج. در مورد هزینه و بورس تحصیلی و هرگونه کمک دیگر به شاگردان و اعطای اجازه و تسهیلاتی که برای ادامه تحصیل در خارجه لازم می باشد مقامات دولتی هیچگونه تفاوتی بین افراد کشور قائل نشوند مگر تفاوت هایی که بر مبنای شایستگی یا احتیاجات باشد.

د. در مورد کمک هایی که مقامات دولتی احتمالاً به صور مختلف به مؤسسات تعلیماتی می کنند هیچگونه ترجیح یا مضیقه ای بر این مبنا که شاگردان آن جزو گروه معینی هستند قائل نگردند.

ه. به افراد خارجی که در کشور آنها بسر می برند همان فرصت و امکانی را بدهند که اتباعشان برای دسترسی به تعلیمات دارند.

علاوه بر موارد پنج‌گانه فوق، دول متعاقد متعهد می‌شوند که سیاستی اتخاذ نمایند که هدف آن ایجاد فرصت و امکان مساوی برای افراد در امر تعلیمات باشد و در اجرای این سیاست باید:

۱. تعلیمات ابتدایی را اجباری و مجانی نمایند. تعلیمات متوسطه را، به صورت مختلف آن تعمیم داده و در دسترس همگان قرار دهند. تعلیمات عالی را با برخورداری از مساوات کامل و با توجه به استعداد افراد در دسترس همه قرار دهند. اجرای تعلیماتی را که قانون برای افراد اجباری مقرر داشته تأمین کنند.
۲. ترتیبی دهند که در تمام مؤسسات تعلیماتی دولتی هم درجه، تعلیماتی داده شود که هم سطح و از نظر کیفیت از شرایط مساوی برخوردار باشد.
۳. آموزش افرادی را که تعلیمات ابتدایی ندیده یا آن را به اتمام نرسانده‌اند با به کار بردن روش‌های مقتضی تشویق و تشدید کنند و به آنها اجازه دهند برحسب استعداد، تحصیلات خود را ادامه دهند.
۴. آماده ساختن برای حرفه معلمی را بدون تبعیض برای همه تأمین کنند.

مدارس مخصوص اقلیت‌های ملی

دول متعاقد قبول نموده‌اند که لازم است به افراد اقلیت‌های ملی حق داشتن فعالیت‌های آموزشی خاص خودشان من جمله اداره مدارس و هم‌چنین برحسب سیاست هر دولت در امور آموزشی و اجازه استعمال یا تعلیم زبان خاص آنها داده شود، مشروط بر اینکه:

اولاً - از این حق به نحوی استفاده نشود که افراد اقلیت با فرهنگ و زبان اصلی جامعه بیگانه شده و در نتیجه به حاکمیت ملی لطمه‌ای وارد آید.

ثانیاً - سطح معلومات در مدارس مزبور پایین‌تر از سطح عمومی تعلیماتی نباشد که مقامات ذیصلاح تعیین کرده‌اند.

ثالثاً - رفتن به این مدارس اختیاری باشد.

بخش هشتم

منع آپارتاید در ورزش

مقدمه

از آنجایی که کلیه افراد بشر آزاد به دنیا آمده و از لحاظ حیثیت انسانی و حقوق برابر می‌باشند و حق برخورداری از کلیه حقوق مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر را دارند و چون هر گونه جدایی نژادی و آپارتاید محکوم و ممنوع بوده و باید در کلیه زمینه‌ها ریشه کن شود، لذا در تاریخ ۱۴ دسامبر ۱۹۷۷ مجمع عمومی سازمان ملل متحد «کنوانسیون بین‌المللی علیه آپارتاید در ورزش» را تصویب نمود که دولت ایران نیز به آن ملحق گردید و با تصویب مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان جزء مقررات حقوق داخلی قرار گرفت.^۱

کنوانسیون بین‌المللی علیه آپارتاید در ورزش

این کنوانسیون با اذعان به اینکه برقراری تماس‌های ورزشی با هر کشوری که آپارتاید را در ورزش به کار می‌برد، به منزله نادیده گرفتن و تحکیم آپارتاید و ضمناً تخطی از اصل المپیک می‌باشد و بدین جهت موجبات نگرانی به حق، کشورهای دیگر را فراهم می‌آورد و با عزم به انجام هرگونه اقدام ضروری در جهت ریشه کن کردن نمونه رویه آپارتاید در ورزش و تماس‌های بین‌الملل ورزشی بر اساس اصل المپیک، به تصویب

۱. مجموعه قوانین سال ۱۳۶۶، صفحات ۵۹۴ الی ۶۰۱، چاپ روزنامه رسمی.

رسیده است. در این کنوانسیون کشور آفریقای جنوبی به علت داشتن رویه آپارتاید محکوم شده و کشورهای عضو از انجام تماس‌های ورزشی با آن ممنوع شده‌اند.

اصطلاح آپارتاید در کنوانسیون فوق چنین تعریف شده است:

«اصطلاح «آپارتاید» اطلاق می‌شود به یک سیستم سازمان یافته جدایی و تبعیض نژادی، به منظور ایجاد و حفظ تسلط یک گروه نژادی از اشخاص بر گروه نژادی دیگر از اشخاص و ظلم مداوم در حق آنان، به گونه‌ای که در آفریقای جنوبی اعمال می‌شود، و «آپارتاید در ورزش» یعنی به کارگیری سیاست‌ها و رویه‌های مربوط به چنین سیستمی در فعالیت‌های ورزشی، خواه بر مبنای حرفه‌ای یا به صورت آماتوری، ترتیب یافته باشد.»

اصلی المپیک نیز در ماده اول کنوانسیون چنین تعریف شده است: «اصطلاح «اصلی المپیک» یعنی اصلی که به موجب آن هیچگونه تبعیضی به سبب نژاد، مذهب یا وابستگی‌های سیاسی مجاز نمی‌باشد.»

تعهدات کشورهای عضو کنوانسیون

مهمترین تعهد کشورهای عضو کنوانسیون بین‌المللی علیه آپارتاید در ورزش، آن است که فوراً و به طریق مناسب، سیاست امحاء رویه آپارتاید را از ورزش، در تمام اشکال و صور آن، اتخاذ و تعقیب نمایند و بدین منظور کشورهای عضو اجازه نخواهند داد که تماس‌های ورزشی با کشوری که آپارتاید را اعمال می‌کند برقرار گردد و اقدامات مناسب را برای حصول اطمینان از اینکه چنین تماس‌هایی توسط ارگان‌های ورزشی، تیم‌ها و ورزشکاران انفرادی این کشورها به عمل نیاید، به کار خواهند برد.

کشورهای عضو کلیه اقدامات ممکن را برای جلوگیری از برقراری تماس‌های ورزشی با کشوری که آپارتاید را اعمال می‌کند به کار بسته و مراقبت خواهند نمود که وسایل مؤثر تحقق چنین اقداماتی موجود باشد.

کشورهای عضو از دادن هرگونه کمک مالی یا کمک‌های دیگر که ارگان‌های ورزشی، تیم‌ها یا افراد ورزشکار را به شرکت در فعالیت‌های ورزشی در کشوری که در آن آپارتاید اعمال می‌شود، یا با تیم‌ها یا افراد ورزشکاری که بر مبنای آپارتاید انتخاب شده‌اند قادر سازد، خودداری خواهند نمود.

هر کشور عضو اقدامات مقتضی را علیه ارگان‌های ورزشی، تیم‌ها و افراد ورزشکاری که در فعالیت‌های ورزشی کشوری که آپارتاید اعمال می‌شود، شرکت می‌جویند، به کار خواهد بست که به ویژه شامل اقدامات زیر خواهد بود:
الف. مخالفت با دادن کمک مالی یا کمک‌های دیگر به هر منظور به چنین ارگان‌های ورزشی تیم‌ها یا افراد ورزشکار.

ب. محدود کردن امکان استفاده از این ارگان‌های ورزشی، تیم‌ها یا افراد ورزشکار از تسهیلات ورزشی ملی.

ج. عدم تنفیذ کلیه قراردادهای ورزشی مربوط به فعالیت‌های ورزشی در کشوری که آپارتاید را اعمال می‌کند یا با تیم‌ها یا افراد ورزشکاری که بر مبنای آپارتاید انتخاب شده‌اند.

د. امتناع از اعطاء و همچنین پس گرفتن نشان‌ها و جوایز ملی ورزشی متعلق به اینگونه تیم‌ها یا افراد ورزشکار.

ه. عدم برگزاری مراسم رسمی به افتخار اینگونه تیم‌ها یا افراد ورزشکار.

آنچه که در فوق گفته شد اهم مطالب و رئوس سیاست امحاء رویه آپارتاید در امر ورزش بود و گرنه کشورهای عضو متعهد امور دیگری از قبیل امتناع از دادن روادید و یا اجازه ورود به نمایندگان ارگان‌های ورزشی، تیم‌ها و افراد ورزشکار کشوری که آپارتاید را اعمال می‌کنند، نیز گردیده‌اند.

کمیسیون علیه آپارتاید در ورزش

به منظور بررسی نحوه اجرای کنوانسیون بین‌المللی علیه آپارتاید در ورزش، کمیسیونی مرکب از ۱۵ نفر عضو از افرادی پای‌بند به اصول اخلاقی و متعهد به مبارزه علیه آپارتاید تشکیل خواهد شد. این عده با بذل توجه خاص به اینکه در اداره امور ورزشی مجرب باشند، توسط کشورهای عضو از میان اتباع خود این کشورها، با در نظر گرفتن عادلانه‌ترین نحوه توزیع جغرافیایی و نمایندگی سیستم‌های حقوقی اصلی، انتخاب خواهند شد. انتخابات اعضاء کمیسیون در اجلاس کشورهای عضو که توسط دبیرکل در مقر سازمان ملل ترتیب می‌یابد، صورت خواهد گرفت. در این اجلاس که

دو سوم کشورهای عضو حد نصاب را تشکیل می‌دهند، افرادی که برای عضویت کمیسیون انتخاب می‌شوند، کاندیداهایی خواهند بود که بیشترین آراء و اکثریت مطلق آراء نمایندگان حاضر را به خود اختصاص دهند.

اعضاء کمیسیون برای یک دوره چهارساله انتخاب می‌شوند. در هر حال دوره خدمت ۹ تن از اعضاء که در اولین انتخابات، انتخاب شده‌اند در پایان دو سال خاتمه می‌یابد. بلافاصله پس از اولین انتخابات، اسامی این ۹ نفر، توسط رئیس کمیسیون از طریق قرعه تعیین می‌شود.

به منظور جایگزینی پست‌هایی که به‌طور اتفاقی بلاتصدی می‌شوند، کشور عضوی که تبعه آن، دیگر به عنوان عضو کمیسیون، انجام وظیفه نمی‌کند، فرد دیگری از اتباع خود را منوط به موافقت کمیسیون تعیین خواهد نمود.

مخارج کمیسیون، توسط کشورهای عضو تأمین می‌گردد و جلسات آن در مقر سازمان ملل حداقل سالی یک بار تشکیل خواهد شد.

فعالیت و عملکرد کمیسیون علیه آپارتاید در ورزش

کشورهای عضو متعهد می‌شوند که گزارشی را پیرامون اقدامات قانونی، قضایی، اداری یا غیره که برای اجرای مفاد کنوانسیون اتخاذ نموده‌اند، ظرف یک سال از تاریخ لازم‌الاجراء شدن و پس از آن هر دو سال یک بار، جهت بررسی کمیسیون به دبیرکل سازمان ملل متحد تسلیم نمایند. کمیسیون می‌تواند اطلاعات بیشتری را از کشورهای عضو درخواست نماید.

کمیسیون سالانه گزارشی را در خصوص فعالیت‌های خود از طریق دبیرکل برای مجمع عمومی سازمان ملل ارسال خواهد داشت و می‌تواند بر اساس بررسی گزارش‌ها و اطلاعات واصله از کشورهای عضو، پیشنهادات و توصیه‌های کلی ارائه دهد. این پیشنهادات و توصیه‌ها همراه با نظریات احتمالی کشورهای عضو ذینفع به مجمع عمومی گزارش خواهد شد. همچنین در موارد نقض آشکار مفاد کنوانسیون، بنا به درخواست کمیسیون اجلاسی با شرکت کشورهای عضو توسط دبیرکل تشکیل خواهد شد.

هر یک از کشورهای عضو حق دارند از کشور متعاقد دیگری از مفاد کنوانسیون را نقض کرده است به کمیسیون شکایت کنند و کمیسیون پس از شنیدن گزارش و مدافعات کشور عضوی که از او شکایت شده است، نسبت به انجام تصمیمات مقتضی در رابطه باموارد نقض اتخاذ تصمیم خواهد نمود.